

پاسخ‌گویی پرداخته و گذری به مباحث دانشی و بینشی در عرصه پاسخ‌گویی ندارد. در امتداد این دست مقالات، پیاده‌شده سخنرانی سیداحمد خاتمی باعنوان «هشت نکته کلیدی درباره پاسخ به شبهات» در فصلنامه پاسخ به شبهات دینی، مواردی چون ارزش بالای پاسخ به شبهات، مطلوب بودن پرسش، ادبیات و انگیزه پرسش و لزوم تخصصی بودن پاسخ‌ها را کانون سخن خود قرار داده است. در ادامه، مقاله «رسالت حوزه در پاسخ به شبهات» نوشته آیت‌الله جعفر سبحانی در مجله مکتب اسلام نیز به روش‌های پاسخ‌گویی پرداخته است. همچنین مقاله «روش‌شناسی پاسخ به شبهات در سیره اهل بیت (ع)» به قلم محمدصالح جبّاری و صفورا رضایی‌رادفر به راهبردهای اهل بیت (ع) در برابر شبهات دینی همچون تجزیه بخش‌های حق و باطل و حمله به بخش باطل شبهه، استفاده از مقبولات طرف مقابل، نشان دادن تنافی در عقاید یا اعمال شبهه‌کننده، ردّ مبانی و فرضیات شبهه، برهان خُلف، استدلال به وقوع امر متناقض با شبهه، تمثیل، ارجاع به محسوسات و قاعده احتیاط عقلانی اشاره دارد. همان‌گونه که دیده می‌شود، در این پژوهش‌ها نیز سخنی از بینش و دانش در مهارت پاسخ‌گویی به میان نیامده است.

۲. مهارت بینشی در پاسخ‌گویی به مسائل دینی

بینش دینی در شناخت مسائل و پاسخ‌گویی به آنها، فراتر از تجربه است، ولی اینکه چگونه بتوان به بینش به‌عنوان نوعی مهارت دست یافت، همان چیزی است که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

۲-۱. مفهوم‌شناسی مهارت بینشی

بینش، نوع نگاه انسان به هستی و پدیده‌های آن است. قلمرو بینش، به عالم عقل مربوط است و از آنجاکه تمامی عوالم وجود انسان، تحت فرماندهی عقل است، تغییر بینش به تغییر رفتار و حتی هویت انسان نیز می‌انجامد؛ چنان‌که تفاوت بینش‌ها در زندگی روزمره، رفتارهای کاملاً متفاوتی را به دست می‌دهد؛ برای نمونه اگر از فلسفه زندگی افراد پرسیده شود، برخی زندگی دنیا را فرصتی برای لذت بردن از دنیا می‌دانند و معتقدند اگر از دنیا لذت نجویند، پس از مرگ پشیمان خواهند شد که چرا فرصت زندگی دلچسب خود را از دست داده‌اند! ولی دسته دیگری، دنیا را مزرعه آخرت می‌دانند و بر همین مبنا امور روزانه خویش را طی می‌کنند. این دسته تمامی توان خود را به کار می‌بندند تا در دنیا اثرگذار باشند، ولی طیف دیگری، اساساً معتقدند هرچه از لذایذ دنیوی دوری کنند، به خدا نزدیک‌تر می‌شوند؛ به همین دلیل هرگز به سوی لذت‌های دنیوی گرایش نمی‌یابند و

چندان هم به این فکر نمی‌کنند که از خود در عالم خلقت، اثری به‌یادگار بگذارند، بلکه صرفاً دنیاگریزی را بینش زندگی خویش قرار می‌دهند. کندوکاوی در احوال مردم زمانه، ما را با انواع دیگری در بینش‌های زندگی آشنا خواهد کرد که هر یک در باورها و سبک زیست افراد تبلور می‌یابند. این چند مثال فقط برای آشنایی با تأثیر بینش بر سبک زندگی افراد گوناگون در جامعه بود. نکته مهم دیگر اینکه بینش دارای سطوح گوناگونی است؛ مانند بینش کامل، بینش متوسط و بینش ضعیف. در امتداد همین مقوله بینش، بصیرت نیز نوعی آگاهی درونی است که حکایت از طرز فکر آدمی درباره دنیا، دیگران و... دارد که تحت تأثیر تجربیات گذشته، عقاید، احساسات و ادراکات است؛ برای مثال کسی که مورد سرقت مسلحانه قرار گیرد، اعتمادش به افراد دچار خدشه می‌شود و از آن‌پس، نگرش شکاکانه به دیگران خواهد داشت یا برعکس، کسی که نسبت به دنیا بسیار خوشبین باشد، تحت تأثیر این فضای ذهنی، ممکن است نگرش مثبتی به همگان داشته باشد.

در این میان به‌صورت کلی منابع اسلامی با تقسیم دنیا به عامل الهی و شیطانی، برای بینش دو معنا را به‌کار برده‌اند: «بینش الهی» و «بینش مادی». تفاوت این دو بینش، از اعتقاد به خدا برمی‌خیزد؛ زیرا بینش الهی بر ایمان به خدا استوار است؛ بر خلاف بینش مادی که اساساً نقشی برای خدا در زندگی قائل نیست.

گفتنی است بصیرت، امری فراتر از بینش است؛ زیرا بصیرت دستاورد راه‌هایی گوناگون است که آدمی به‌واسطه آن به کشف حقایق نایل می‌آید و کُنه و باطن امور را بازمی‌شناسد و از این‌گذر می‌تواند به راه هدایت درآید. فراهیدی (لغت‌شناس نامدار) بصیرت را همان باورهای قلبی از دین و امور حقیقی می‌شمارد (فراهیدی، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۱۱۷). تنها شباهت بصیرت به بینش، در سطح‌بندی آن است؛ برای مثال در رده‌بندی بصیرت؛ در سطح اول، اهل بصیرت به‌دنبال شناخت شریعت‌اند و از آن پیش نمی‌افتند. در سطح دوم، اهل بصیرت به این درک دست می‌یابند که هدایت و گمراهی، هر دو از ناحیه حضرت حق تعالی است. در سطح سوم، بصیرت، معرفت‌زایی می‌کند نه معرفت‌سوزی. چه‌بسا در جامعه به اسم بصیرت به صاحبان معرفت تاخت‌وتاز شود، ولی به‌یقین این رفتار دیگر بصیرت نخواهد بود (دلیر، ۱۳۹۶، ص ۹-۱۱).

۲-۲. مهارت بینش تمدنی

منظور از «بینش» در پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی، نگرشی است که پاسخ‌گو بر اساس آن می‌کوشد پرسش‌گر را به هدفی بزرگ راهنمایی کند، بی‌آنکه چندان صریح و روشن به این هدف

اشاره نماید. درحقیقت این بینش نوعی ذهنیت هدایت‌محور بر اساس باورهای اسلامی است که قصد دارد ذهن مخاطب را از شبهاتی که وارد آن شده است، بزدايد و سمت و سوی افکار و ذهنیت او را تنظیم نماید.

یکی از انواع بینش‌ها در پاسخ‌گویی، بینش تمدنی است. در این بینش، توحید، عبودیت، کرامت انسان و سبک زندگی، بخشی از تمدن نوین اسلامی‌اند. بینش تمدنی، حد وسط دانش و کنش است که مایه نگرستن به مسائل گوناگون در افق گسترده‌ترین واحد اجتماعی و نگاه کردن به تمامی مسائل فرد و جامعه با نگاهی فرازمانی و فرامکانی در بالاترین حد ممکن زیست اجتماعی بشر می‌باشد. این نگاه جهانی محدود به اکنون جهان است و نگاه تمدنی گذشته، حال و آینده را دربرمی‌گیرد (الویری، ۱۳۹۷، مندرج در: <https://mobahesat.ir/17994>). عناصر بینش تمدنی یعنی امیدبخشی، هدایت‌گری، تفکر محوری، قانون‌گرایی و انسجام‌بخشی با نگاهی کلان و فراگیر، اقتضانات داخلی و جهانی را مد نظر قرار می‌دهند (غیائی فتح‌آبادی و همایون، ۱۴۰۲، ص ۹).

۵۷



مهم‌ترین نکته در اینجا این است که ایجاد بینش تمدنی در پیدایی و پویایی تمدن می‌تواند نقش‌آفرینی کند. با این نگاه کلان، پاسخ‌گو ابتدا ذهن خود را برای این نوع پاسخ‌گویی متمرکز می‌نماید و سپس در چهارچوب همین روش، به پاسخ‌گویی می‌پردازد. در پاسخ‌گویی بر اساس بینش تمدنی، ابتدا لازم است تمدن برای پاسخ‌گو تعریف شده و مشخص باشد. ازسوی دیگر لازم است بدون اشاره صریح به رویکرد تمدنی خویش، به صورت کاملاً غیرآشکار، پرسش‌گر را سوق دهد؛ زیرا ممکن است برخی مخاطبان با آگاهی از بینش تمدنی او نسبت به پذیرش پاسخ، حالت تدافعی به خود بگیرند. تغییر بینش در سبک زندگی امری کاملاً ضروری است تا هم هدف زندگی تغییر کند و هم روش آن؛ براین اساس کارشناس پاسخ‌گو، ذهنیت خویش را با مؤلفه تمدن‌شناسی (توجه به رویکرد ترویج تمدن اسلامی در پاسخ‌گویی) به امید احیای دوباره تمدن اسلامی که نیازمند تولید اندیشه، ایجاد فضای مناسب برای رشد آن و سپس پرورش نیروهای متناسب با آن اندیشه است، همراه می‌سازد.

آنچه در ادامه از نظر خواننده گرامی می‌گذرد، تأملی بر بینش‌های گوناگون پاسخ‌گویی دینی است که متناسب با آن، کارشناس می‌تواند پاسخ‌گویی نماید:

در نخستین تجربه قابل ذکر، دانشجویی شیرازی تماس گرفته بود که دارای بینش خاصی بود که وی را دچار شک و تردید کرده بود و اساساً به هیچ چیز یقین نداشت. کارشناس پاسخ‌گو در ردّ ساختار بینش او پاسخ داد: همه چیز (باورهای قبلی) را بشور و بگذار کنار و به این چیزی که می‌گویم عمل بکن!! یعنی نظام معرفت‌شناسی را باید در مواردی عوض کنی و با

این نظام معرفت‌شناسی جدید دیندار باشی. هیچ لزومی ندارد با معرفت‌شناسی ارسطویی، تو دین‌دار باشی!

پرسش‌گر اصرار داشت که چیزی به نام یقین وجود ندارد. کارشناس ادامه داد: فرض کن که یقینی وجود ندارد، اما با ظن و گمان مگر نمی‌شود زندگی کرد! مگر همه با یقین زندگی می‌کنیم؟! مگر شما سوار هواپیما می‌شوید، می‌روید یک شهر دیگری، یقین دارید که سقوط نمی‌کند؟! پس چرا سوار می‌شوید؟ پس می‌شود با ظنون هم زندگی کرد (ر.ک: حقانی فضل، ۱۳۹۹).

۲-۳. مهارت بینش اعتقادی

بینش پاسخ‌گویی به پرسش‌ها در درون خود، دارای انواع، سطوح و لایه‌های گوناگونی است. بینش اعتقادی، بینش اخلاقی، بینش تاریخی و... هر یک سهمی در بینش پاسخ‌گویی می‌توانند ایفا کنند. در نخستین سطح بینشی (بینش اعتقادی)، پاسخ‌گوی مسائل دینی با پنداشت مقام پاسخ‌گویی دینی به‌عنوان امری مقدس که وی بدان توفیق یافته است، قدرشناس لحظاتی باید باشد که مخاطبان برای یافتن پاسخ مسائل شرعی یا راه حل مشکلات خود به او مراجعه می‌کنند. روشن است پاسخ‌گو با این بینش اعتقادی، تلاش وافر خود را به‌کار خواهد بست تا وظیفه شرعی خویش را به بهترین شکل به سرانجام برساند و خشنودی خدا و رضایت مخاطب خود را کسب کند.

در تأیید این نگاه دینی، امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمْلُؤُوا النَّعَمَ فَتَحْوَرَ نِعْمًا: نیاز مردم به شما [درخواست‌ها و مراجعات] از نعمت‌های خدا بر شماست. از این نعمت افسرده و بیزار نباشید که به بلا و دشواری تبدیل می‌شود (ابن‌حمدون، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۱۰۲/ اربلی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۳۲).

در بینش اعتقادی، مؤلفه‌های دیگری چون جهان‌نگری توحیدی و ترویج دین حداکثری یا توسعه دینی (تشویق مخاطبان به دین‌داری حداکثری) نیز وجود دارد و لازم است کارشناس در تدوین پاسخ‌های خود این مطالب را در نظر داشته باشد.

۲-۴. مهارت بینش فرهنگی

دومین سطح از بینش «بینش فرهنگی» است که بحثی میان فرهنگی با نفی مطلق‌انگاری و خویشتن‌محوری است. بینش فرهنگی می‌کوشد مسیر گفت‌وگو و همراهی میان فرهنگ‌ها را فراهم سازد و کوشش متفکران برخاسته از فرهنگ‌های متفاوت برای حل مشکلات عالم معاصر را پُرثمرتر سازد. اگر پاسخ‌گو نسبت به فرهنگ‌های گوناگون اشرافیت نداشته باشد، ممکن است پاسخی که ارائه می‌دهد، پاسخ خوبی نباشد؛ زیرا ممکن است در یک فرهنگ - محلی یا

منطقه‌ای - یک مسئله اخلاقی یک معنا و در فرهنگ دیگری معنای دیگری داشته باشد. اگر کارشناس نسبت به فرهنگ‌های گوناگون اشراف لازم را نداشته باشد، نمی‌تواند پاسخ مناسبی ارائه دهد. اگر پاسخ‌گو نسبت به این تفاوت‌ها اشراف نداشته باشد، ممکن است در مواردی در پاسخش نقص باشد؛ مثلاً پاسخی که ارائه می‌دهد، پاسخ مناسب و متناسبی نباشد. راهکار این امر در گام نخست، مطالعه کتاب و مقاله مناسب در این باره است که البته این امر از مطالعات جانبی انتظار می‌رود، به‌ویژه در حوزه داستان، رمان و تاریخ! دومین راهی که برای شناخت تفاوت‌های فرهنگی می‌توان استفاده کرد، یافتن افرادی از اهل آن فرهنگ و پرسیدن از آنان درباره آداب فرهنگی است.

بسترهای شکل‌گیری پرسش‌ها و شبهات شامل فرهنگ، نژاد، زبان، قومیت، قلمرو و... در نوع پرسش‌گری تأثیرگذار است؛ مثلاً در برخی شهرها «چندهمسری» فرهنگی پذیرفته شده است؛ از این رو در این فضای فکری هرگز پرسش از چندهمسری چندان پیش نمی‌آید؛ بنابراین اگر پرسشی درباره اینکه «اسلام چرا این فرهنگ چندهمسری را پذیرفته است؟» مطرح شود، این موضوع به دلیل فرهنگ آن منطقه، پاسخش به پرسش‌گر اهل همان منطقه بسیار آسان‌تر است تا پرسش‌گری که از جامعه مبتنی بر تک‌همسری برخاسته باشد و درکی از جامعه چندهمسری نداشته باشد.

بخشی از بینش‌های فرهنگی در جهت ترمیم فرهنگ عمومی است؛ چنان‌که در این باره ایجاد فضای رعایت حقوق معنوی را یکی از این امور می‌توان دانست. رعایت حق معنوی و چهارچوب‌بندی آن به‌وسیله فقه، یکی از نیازهای ویژه زندگی علمی و هنری امروزه است. اگر کسی اثری منتشر کرد، لازم است دیگر از حاکمیت خودش خارج نشود و بقیه نتوانند اثر او را بدون اجازه منتشر سازند. حقوق معنوی، یک حقوق فراگیر در بحث‌های پدیدآوردن کپی‌رایت یا کارهای ابتکاری است؛ مثلاً:

در خیاطی فردی ابتکاری داشته یا یک طراح، طرح جلدی را طراحی کرده است، می‌گوید این را می‌فروشم؛ این حق معنوی است. گاهی حتی طراح، جلو بوتیک نوشته است هر نوع اقتباس از این طرح لباس ممنوع است! زیرا این ایده خودش است. اگر لوح فشرده‌ای که گاهی چند میلیارد صرف آن شده است، آیا می‌توان پذیرفت که شخصی، قفل روی لوح را بشکند و سپس این لوح پُرهنزینه را به هزار تومان بفروشد؟! این موضوع سروصدای زیادی به پا کرده است و در این باره از دفاتر مراجع هم که سؤال می‌پرسند، اکثر مراجع می‌گویند این حقوق معنوی افراد محترم است و کسی اجازه ندارد حق معنوی یک اثر را رعایت نکند (ر.ک: اکبری، ۱۳۹۹).

در حال حاضر نسبت به نظرات رهبری فرزانه انقلاب، کار را انضباط بخشیده‌اند؛ یعنی هر کتاب

در حال چاپ که از ایشان مطلبی نقل می‌کند، باید آن مطلب به صورت مشخص مستند به مطالب چاپ‌شده رهبر انقلاب یا نظرات ایشان در تارنمای شخصی مقام معظم رهبری باشد.

۲-۵. مهارت بینش سیاسی

سومین سطح از بینش «بینش سیاسی» است که قدرت درک صحیح رویدادهای سیاسی را به دنبال دارد. این فهم سیاسی به پاسخ‌گو کمک می‌کند بسته به پرسش‌های مطرح‌شده اعم از فقه، تاریخ، قرآن و... به آثار سیاسی پاسخ ارائه‌شده خود نیز توجه داشته باشد؛ زیرا آن پاسخ شایسته است در جهت سیاست‌های روز نظام اسلامی باشد. البته این امر هرگز به معنای جناح‌گرایی و مسائلی از این دست نیست، بلکه منظور از آن، حرکت در جهت راهبردهای نظام اسلامی است؛ برای مثال اندیشه ولایت فقیه (برای پای‌بندی به توسعه دینی کشور)، یکی از موضوعات راهبردی کشور بوده که لازم است کارشناس با نظر داشت این نظریه، پاسخ‌های خود را تنظیم کند؛ مثلاً اگر یک پرسش فقهی در حوزه مسائلی چون فقه حکمرانی مطرح شود، لازم است پاسخ‌گو با نظر داشت این نظریه، پاسخ خود را ارائه کند.

نکته مهم آنکه در «بینش سیاسی» باید این تأمل را داشت که در شبهات سیاسی لازم است عملکرد دولت و نظام را از یکدیگر تفکیک کرد و خواسته رهبری را در مسئله‌ای که پیش آمده، بیان کرد؛ برای نمونه اگر پرسش‌گر در فضای کشف اختلاس‌ها و حقوق‌های نجومی مطرح‌شده در کشور، پرسشی را از چرایی این مباحث در نظام اسلامی مطرح کرد، باید دامن نظام را از این مسائل شست؛ چراکه رهبری بارها از دولت مطالباتی داشته‌اند که متأسفانه جامه عمل پوشانیده نشده است و یکی از آنها همین مسائل یعنی برخورد قاطع با چنین فسادهایی در داخل دولت می‌باشد. بیان این مسئله که رهبری چه اندازه در این مسائل می‌توانند اعمال نظر کنند، برای مردم بسیار راهگشاست؛ مثلاً آیا رهبر وقتی نابسامانی‌های بازار را دیدند، می‌توانند وزیر اقتصاد را عوض یا رئیس بانک مرکزی را برکنار یا رئیس‌جمهور را عزل کنند؟! این خط و مرزهای قانونی در عملکرد رهبری برای مردم مشخص شود تا مردم حقیقت امر را دریابند و بار مسئولیت رأی که به نماینده‌ها و رئیس‌جمهور دارند را بر عهده گیرند.

۲-۶. مهارت بینش اجتماعی

چهارمین سطح از بینش «بینش اجتماعی» است. منظور از آن، شناخت محیط‌های اجتماعی برای فهم عملکرد افرادی است که ساختار اجتماعی بزرگ‌تری را بازتولید می‌کنند. از سویی ضعف

بینش اجتماعی یکی از محوری‌ترین نقص‌های جامعه‌شناسی در ایران است و ازسوی دیگر جامعه مفهومی انتزاعی دارد و غالباً از طریق چیزی ملموس و عینی درک می‌شود (یعقوبی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۹). هریک از شهروندان در جوامع، نقش سازنده، خنثی یا مخربی دارند که تأثیرگذاری بر یکایک آنها سبب تغییر رویکردهای اجتماعی می‌شود و این امر بستگی به میزان ارتباط مردم با نهاد‌های دینی دارد. به عبارت دیگر بینش اجتماعی در پژوهش حاضر یعنی شناخت جامعه مخاطبان و تفاوت اجتماعی آنها در ارائه پاسخ متناسب با سطح اجتماعی مخاطب؛ از این رو لازم است کارشناسان پاسخ‌گو برای مطالعه افکار و فرهنگ‌های گوناگون، زمانی را برای مطالعه اختصاص دهند تا با نگاه اجتماعی مردمان هریک از قلمروهای جغرافیایی آشنا شوند و بر اساس معرفت به دست آمده، پاسخ‌های هم‌تراز با جامعه مخاطبان ارائه نمایند؛ برای مثال یک کارشناس تاریخی، لازم است با نگاه اهالی استان فارس (به ویژه مناطق لرنشین) نسبت به کوروش آشنا باشد تا بتواند با نظر داشت فهم اجتماعی او از این مسئله تاریخی، پاسخی ارائه دهد که حاوی مقدماتی روشن‌گرانه و تبیین‌گر باشد تا اصطلاحاً پاسخ برای مخاطب بهتر جا بیافتد.

از منظر هستی‌شناختی، بینش اجتماعی بیانگر آن است که پدیده‌های امروزی ریشه در گذشته دارند و برای فهم آنها باید به گذشته و جریان مستمر آنها از گذشته تا روزگار حال را در نظر داشت. ضعف بینش اجتماعی یکی از محوری‌ترین نقص‌های ساختارهای دینی در ایران بوده که لازم است سازوکاری برای ارتقای کیفیت آن ارائه گردد و شناخت شیوه‌های ایجاد و تقویت آن و تدوین شاخص‌های سنجش بینش اجتماعی می‌تواند آغازی شایسته برای ارتباط‌گیری بهتر و ریشه‌دارتر نهاد‌های دینی با مردم باشد.

بینش اجتماعی، دیدن ژرفای پدیده‌های اجتماعی و علل و آثار واقعی آنهاست که با خط‌دهی پدیده‌ها به سمت مسائل دینی، در ایجاد ابعاد معنوی زندگی تأثیرگذاری حداکثری دارد. چنین بینش ژرف و نیز گسترده‌ای نسبت به زندگی اجتماعی انسان، در رفتار پاسخ‌گویان تأثیرگذار خواهد بود. البته این امر در برخی کارشناسان پاسخ‌گویی که با مسائل اجتماعی برخورد بیشتری دارند مانند اخلاق و مشاوره، بیش از سایر گروه‌ها کاربرد دارد.

کارشناس پاسخ‌گو هنگام توجه به بینش اجتماعی، به آثار اجتماعی پاسخ‌های خویش و نیز زنجیره‌ای از خوبی‌ها که به واسطه همان تک پاسخ وی ایجاد می‌شود، آگاهی داشته و با نظر داشت همین نکته در پاسخ‌های خود به جنبه‌های اجتماعی پاسخش توجه بیشتری می‌نماید.

بخش دیگری از بینش اجتماعی، توجه به وضعیت دین‌داری و تفاوت میان گروه‌های مختلف سنتی در این موضوع است؛ به گونه‌ای که دین‌داری مردم ایران را به چند دوره می‌توان تقسیم کرد:

- متولدان پیش از انقلاب؛

- متولدان پس از انقلاب تا پایان دهه شصت؛

- متولدان دهه هفتاد؛

- متولدان دهه‌های بعد.

با گذر زمان، امروزه مشخص شده است این طیف‌ها معمولاً هر یک دارای مؤلفه‌ها و رفتارهای دینی و سبک زندگی (تفکر و رفتار) ویژه خود هستند. بینش اجتماعی در سطح پاسخ‌گویی مخصوصاً در میان کارشناسان پاسخ‌گویی به پرسش‌های اخلاقی و مشاوره‌ای که لازم است ذهنیت دینی و سن شخص را در پاسخ‌گویی مد نظر قرار دهند، بسیار می‌تواند کارگشا باشد.

از سوی دیگر گوناگونی الگوهای نگرش دینی میان گروه‌های قومی و تنوع میزان تأثیرگذاری تعیین‌کننده‌های نگرش دینی در میان گروه‌های قومی این‌گونه می‌نماید که نگرش دینی تا حد زیادی در میان اقوام، تابعی از تعلق قومی است؛ به‌گونه‌ای که شناخت مناسبات میان قومیت و دینداری، در فهم نگرش دینی بسیار مؤثر است. شناخت دقیق و جامع الگوها و تعیین‌کننده‌های مرتبط با مناسبات میان قومیت و دینداری، بی‌شک مستلزم آن است که نگرش دینی به تفکیک گروه‌های قومی بررسی و تبیین شود (فروتن، ۱۳۹۹، ص ۵۵).

یکی دیگر از گونه‌های بینش اجتماعی، توجه به مقوله امید به زندگی و آینده است؛ چراکه این مسئله عمده‌تاً در گفت‌وگوهای عامیانه نیز به بحثی پُرسامد تبدیل شده است. رهبر فرزانه انقلاب در جلوگیری از احساس ناامیدی در جامعه فرموده‌اند:

... مطلقاً بایستی اجازه ندهید که یأس و ناامیدی بر شما غالب بشود. اگر بنا باشد که انسان از شکست‌ها مأیوس بشود، ما صمدبار باید در دوران مبارزه و صمدبار باید در جنگ هشت‌ساله تحمیلی مأیوس می‌شدیم، عقب‌نشینی می‌کردیم ... اگر بنا بود انسان با شکست و با عقب‌نشینی مقطعی و مانند اینها مأیوس بشود که هیچ‌چیز به‌سامان نمی‌رسید. نه‌خیر! یأس به‌خاطر ناکامی‌های مقطعی و موقت، مطلقاً در زندگی‌تان راه نداشته باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، مندرج در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36775>).

۲-۷. مهارت بینش مذهبی

پنجمین سطح از بینش «بینش مذهبی» است. بر اساس این بینش، کارشناس پاسخ‌گو به‌عنوان نماینده حوزه علمیه قم و سخنگوی جریان اصیل شیعی باید نظرات رایج حوزوی را در پاسخ‌هایش بیان کند، نه نظرات شاذ (کم‌طرفدار) و غیررایج! حتی زمانی که به یک یافته خاص در پاسخ‌های

خود دست می‌یابد، حتماً باید آن را بر ساحت حوزه علمیه (جمعاً از فرهیختگان دارای همان تخصص؛ مثلاً دانش تاریخ) عرضه کند که اگر پسند افتاد، آن را به عرضه عمومی بنهد. چه بسا پاسخ او کاملاً درست باشد، ولی بیان آن از سوی نماینده رسمی حوزه علمیه، آثار مخربی در سطح جامعه به دنبال داشته باشد. بدین‌سان شایسته است اگر چنین پاسخی کاملاً جنبه علمی و نویافتگی داشته، ولی قابل ارائه به عموم نباشد، صرفاً در مجالس خاص علمی مطرح شود یا برای پرسش‌گران خاص که پیش‌تر جنبه امانت‌داری آنها سنجیده شده است، بیان گردد.

یکی از ملاحظات بینشی این است که پاسخ‌های ارائه‌شده، وارد فضای تردیدآفرینی نشود؛ یعنی مخاطب را به تردید دچار نکند یا حتی شأن کسی را زیر سؤال نبرد؛ برای نمونه وقتی درباره مقام مرجعیت یا شخصی از مراجع پاسخ‌گویی می‌کند، مراقب قداست و خدشه‌دار نکردن جایگاه معنوی مرجعیت باشد. نکته مهم دیگر اینکه در انتقال یک بینش مؤثر در پاسخ‌گویی میان کارشناسان پاسخ‌گو، تفاوت مراتب، استعداد و توان‌مندی دیده می‌شود؛ این نکته باید در آموزش‌های بینش‌افزایی نیز ملاحظه گردد.

۶۳



کارشناس حتی در مواردی لازم است بینش خود را به مخاطب منتقل نماید و مانع آن شود تا بعضی از رفتارهای موجود در سطح جامعه، مایه خرافات‌پراکنی شود؛ بنابراین نباید به یک نسخه‌نویس و مناسک‌گرا تبدیل شود، بلکه باید بکوشد پرسش‌گر را بر آنچه در کتاب خداوند و سنت قطعی ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} است، رهنمون شود؛ چنان‌که در متون دینی نیز روایت‌هایی مبنی بر عرضه دین بر ائمه^{علیهم‌السلام} وجود دارد که نشان می‌دهد در سازوکار دینی اهل بیت^{علیهم‌السلام}، هر باوری باید بر قرآن و عترت عرضه شود و دقیقاً مطابق با آن باشد (ر.ک: هاشمی جزی، ۱۳۹۹).

نوع دیگری از بینش مذهبی، رعایت اصل وحدت اسلامی و تقریب میان مذاهب است که تحقق آن منوط به تبیین مسائل دینی و مذهبی است، نه اختلاف‌افکنی. این امر با گفت‌وگو برای برطرف کردن سوء تفاهم‌ها شکل می‌گیرد و نیازمند ایجاد بسترهای لازم برای ترویج مطالعات و آموزش‌های تطبیقی در قالب فقه، کلام، حدیث و سایر علوم اسلامی است. فرهنگ تقریب، مجموعه‌ای از نوع نگاه‌ها، سبک رفتارها و شناخت دیگر مذاهب است که رفتارهای اجتماعی را دربرمی‌گیرد و اگر به عادت مشترک اجتماع تبدیل شود، هنجاری اجتماعی تلقی خواهد شد. در خط سیر این بینش، مسائلی در عرصه دینی مانند پای‌بندی به تقریب مذاهب اسلامی، ایجاد روحیه تعاملی با دیگر ادیان بسیار مهم است. در واقع کارشناس بی‌آنکه مخاطب را از این زمینه ذهنی خویش آگاه سازد، او را به سوی تقریب مذاهب اسلامی یا تعامل با پیروان سایر ادیان راهنمایی می‌کند.

کارشناس پاسخ‌گو با توجه به فرهنگ تقریب و توجه به مبانی مذهبی خویش و مخاطب غیرهم‌مذهب، لازم است در گام نخست با احترام وافر، هرگونه پیش‌داوری ذهنی مخاطب نسبت به خود را اصلاح نماید و سپس بر اساس فهم مشترک، پاسخی را که حاوی مبانی اسلامی و دارای رویکرد تقریبی است، ارائه نماید.

۳. مهارت دانشی در پاسخ‌گویی به مسائل دینی

به‌کاربردن واژه دانش برای پاسخ‌گویی ممکن است برخی واکنش‌های غیرحرفه‌ای را به‌دنبال داشته باشد، ولی حقیقت آنکه پاسخ‌گویی به مسائل دینی، علاوه بر بایستگی فهم سه‌گانه «مخاطب»، «پرسش» و «زمانه»، نیازمند اطلاعات فراوان علمی و آمیختن آنها با مهارت‌های گوناگونی است که سرانجام، مخاطب را اقناع نموده و با پاسخی دقیق همراه می‌سازد؛ ازاین‌رو گرچه تاکنون برای مقوله پاسخ‌گویی از واژه دانش استفاده نشده و پژوهش حاضر نیز رسالت خود را این امر قرار نداده است، ولی به‌نظر می‌رسد در سال‌های آتی این امر و موضوع به یک سخن کاملاً پذیرفته‌شده تبدیل شود. باین‌حال منظور از دانش در تحقیق پیش‌رو، آگاهی‌های لازم برای توان‌مندی در پاسخ‌گویی است.

۳-۱. مفهوم‌شناسی مهارت دانشی

دانش پاسخ‌گویی، علمی آمیخته با درک مخاطب و فضای پرسش‌گری و مهارت پاسخ‌دهی قانع‌کننده است که به‌صورت چندلایه و با مؤلفه‌های خاص، به مواجهه با پرسش و شبهه می‌رود. نخستین شناسه دانش پاسخ‌گویی، توان تحلیل است؛ بدین‌معنا که ذهن تحلیل‌گر کارشناس، بسیار سریع باید بتواند هم‌زمان ضمن درک مخاطب و فضای فکری او، با فهم دقیق پرسش و آماده‌کردن ذهن خود برای پاسخ، از سبب‌داشته‌های علمی خویش به‌خوبی و به‌اندازه نیاز برای قانع‌کردن پرسش‌گر استفاده نماید.

پاسخ‌گویی مجموعه‌ای از روابط اجتماعی است که بر اساس آن شخص برای تأمین خواسته‌ها، اقناع دیگران، توضیح و توجیه رفتار خویش نسبت به دیگران، احساس تعهد می‌کند. با نهادینه‌شدن پرسش‌گری و پاسخ‌گویی در سطح جامعه به‌شکلی منطبق با مبانی اعتقادی، شناخت و شفافیت، اعتماد و عدالت، امنیت، ثبات و درنهایت سعادت و کمال انسانی در نظام اسلامی حاصل خواهد شد (عنایتی و لنگری، ۱۳۹۸، ص ۷۵).

۳-۲. اصول مهارت دانشی

دانش پاسخ‌گویی، به‌خدمت‌گرفتن دانش‌های متداول و تخصصی در مسیر اقناع مخاطب در جهت حفظ نیازهای دینی اوست که این امر فقط از افرادی برمی‌آید که ترکیبی از بینش، دانش و مهارت را به‌عنوان دانش پاسخ‌گویی کسب کرده باشند. این امر نیازمند رعایت چند اصل است:

۳-۲-۱. اصل یکم: دانش تخصصی

پیش‌گام دانش پاسخ‌گویی، توان تخصصی کارشناس است که بسته به گروه‌های مختلف پاسخ‌گویی - اعم از فقه و احکام، کلام و اعتقادات، تاریخ و سیره، علوم قرآن و تفسیر، اخلاق، مشاوره و حدیث - در گرو طی مدارج بالای علمی (کارشناسی ارشد و دکتری یا سطح ۳ و سطح ۴ حوزه) است. البته این امر فقط منوط به مدارج علمی مطرح‌شده نیست؛ زیرا گاهی نخبگان بدون مدرک نیز در صورت احراز شرایط تخصصی، توان ورود به عرصه پاسخ‌گویی تخصصی را خواهند داشت.

۳-۲-۲. اصل دوم: شناخت ابزارها

بخش دیگری از دانش پاسخ‌گویی، در گرو تخصص ویژه در مطالب خاص، پُرتکرار و شبهه‌خیز در قلمرو یک دانش - مثلاً دانش تاریخ - است که در عرصه‌های پاسخ‌گویی مورد سؤال قرار می‌گیرد؛ برای نمونه سیره نبوی و سیره اهل بیت علیهم‌السلام، یکی از بخش‌های پُرسامد در پرسش‌های تاریخی است؛ از این‌رو کارشناس تاریخ علاوه بر تسلط متخصصانه بر مسائل و موضوعات دانش تاریخ، باید به‌صورت خاص با پرسش‌ها و شبهات مربوط به سیره نبوی و سیره اهل بیت علیهم‌السلام نیز آشنا باشد و تخصص شایسته‌ای در این باره کسب نماید. همین نگاه تخصصی ویژه (شناخت مسائل و موضوعات پُرسامد) در دیگر عرصه‌های دانشی در پاسخ‌گویی (سایر گروه‌های پاسخ‌گویی بسته به مسائل خاص خود) نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

در گام بعدی، کارشناس باید با ابزارهای کمک‌دانشی (ابزارهایی که به دانش‌افزایی کمک می‌کنند)، به‌خوبی ارتباط برقرار کند؛ از این‌رو باید با کتاب‌ها، مقالات، نرم‌افزارها و سایت‌های علمی نیز به‌خوبی آشنا باشد و نیز بداند کدام مطلب دقیقاً در کدام نرم‌افزار یا کتاب یا مقاله قابل دستیابی است؛ فرضاً یک کارشناس تاریخی اگر از سیره نبوی مورد سؤال قرار گرفت و پرسش‌گر ارائه استنادات را درخواست کرد، کارشناس باید بداند نرم‌افزار دانشنامه نبوی علیهم‌السلام یا نرم‌افزار سیره معصومان علیهم‌السلام مخصوص مطالب مربوط به اهل بیت علیهم‌السلام است. همچنین باید کاملاً آشنا باشد که با

چه واژه‌ای در آن نرم‌افزار جست‌وجو نماید تا به سرعت به اسناد لازم دست یابد. البته این امر نیازمند آشنایی قبلی با این نرم‌افزارهاست.

از یاد نبریم نخستین گامی که یک پاسخ‌گو باید بردارد، شناخت طبقه‌بندی علوم است؛ یعنی ماهیت شبهه را تشخیص بدهد که فرضاً این شبهه کلامی است، آن شبهه حدیثی یا تاریخی و... همچنین روشی که می‌شود به آن شبهه پاسخ داد را بداند. پاسخ‌گو لازم است توجه نماید که با روش متداول در یک علم نمی‌توان به شبهه علمی برآمده در علم دیگری پاسخ داد؛ مثلاً با روش علم فقه نمی‌توان به پرسش تاریخی پاسخ داد. در این باره لازم است منطق عملی یا روش‌شناسی شناخت علوم در آموزش‌های پیشینی کارشناسان پاسخ‌گو قرار بگیرد تا کارشناس به خوبی تشخیص بدهد این شبهه چه ماهیتی دارد تا بتواند علوم را طبقه‌بندی کند و با روش، موضوعات و غایت‌های علوم و مسائل علوم آشنا باشد. در این صورت او می‌تواند موضوعات و مسائل را تفکیک کند؛ زیرا آنچه مثلاً در علم فقه حجت است، در دانش کلام حجت نیست. در فقه یک خبر صحیح‌السند به دنبالش فتوا می‌توان صادر کرد؛ چون ظنّ محتمل آنجا حجت است، ولی در علم کلام این گونه نیست و اگر ده خبر صحیح‌السند نیز داشته باشید، مشکلی را حل نمی‌کند (ر.ک: محمدی شاهرودی، ۱۳۹۹).

۳-۲-۳. اصل سوم: تجربه آموزی

در کسب دانش پاسخ‌گویی، به دلیل وجود قرن‌ها تجربه پاسخ‌گویی به مسائل دینی ازسوی منابع (قرآن، سنّت و متون دینی) و صاحب‌منصبان دینی (پیامبر ﷺ، اهل بیت ﷺ و علما) بهره‌گیری از آنها امری کاملاً ضروری است؛ از این رو استفاده از تجربه‌های متون و کانون‌های دینی همچون قرآن کریم، پیامبر ﷺ، ائمه ﷺ و علمای بزرگ به‌عنوان آموزگاران پاسخ‌گویی، بسیار شایسته اهمیت است.

در این باره باید از دیگران - کسانی که امکان الگوبرداری از آنها وجود دارد - الگوبرداری کرد و کاربست یافته‌های ارزشمند دیگران برای بهتر شدن امر پاسخ‌گویی را به دیده یک هنر پویا نگریست؛ بر این اساس مطالعه کتاب‌ها و مقالاتی که ازسوی استادان نامدار پاسخ‌گو به مسائل دینی در گذر زمان نوشته شده است، بسیار می‌تواند راهگشا باشد و به انتقال تجربه‌ها کمک کند. همچنین توجه به ساختار و روش پاسخ‌گویی و دایره دانشی افراد گوناگون در این باره بسیار کمک‌کننده خواهد بود.

یکی دیگر از نکات، توجه به سیره علمی علمای سابق است؛ برای نمونه نوع زندگی تبلیغی

برخی علما برای مردم جلب توجه می‌کرد:

آیت‌الله ابراهیم امینی، امام جمعه سابق قم که سال‌های متمادی امام جماعت مسجد اعظم بودند، بعد از نماز در مسجد اعظم می‌نشستند، در هفته دو شب برای مردم فقط استخاره می‌گرفتند. ایشان دو-سه شب مشاوره می‌دادند که خیلی تأثیرگذار بود. بعضی مواقع تا دو ساعت این کارشان طول می‌کشید؛ یعنی تمام مسجد خالی شده بود، اما آیت‌الله امینی نشسته بود با یک نفر پرسش‌گر و همچنان پیرامون پرسش با پرسش‌گر صحبت می‌کرد (ر.ک: محمدی، ۱۳۹۹).

انتقال تجربه و حتی جمع‌آوری تجربه در گام نخست نیازمند ایجاد اعتماد دوسویه میان کارشناس و پرسش‌گر است. یکی از بهترین شیوه‌ها برای انتقال تجربه، گفت‌وگوست. نکته دیگر در انتقال تجربه، توجه به اقتضائات فضای مجازی است؛ زیرا گاهی بی‌دقتی در این موارد، سبب می‌شود پاسخ‌ها شبهه‌زا باشد (همان).

۳-۲-۴. اصل چهارم: مهارت اقناع

قانع کردن مخاطب، یک اصل در دانش پاسخ‌گویی است و از جمله عوامل سرعت بخشی به روند تحولات اجتماعی در بخش دینی، همین امر می‌باشد. این امر به اندازه‌ای در بدنه فعال اجتماعی پرسش‌گران مؤثر است که تا وقتی در جامعه دینی، پاسخ‌گویی کارآمد در حیطه مسئولیت حوزه علمیه، جایگاه واقعی خود را نیابد و پرسش‌های دینی بدنه جامعه، پاسخ درخور به دنبال نداشته باشند، همراهی بدنه اجتماعی با دشواری فهم و آگاهی همراه خواهد بود؛ زیرا بی‌پاسخ ماندن پرسش‌های بنیادین دینی - گرچه فقط از نظر مخاطب بنیادین است - مانع پویایی جامعه خواهد شد؛ چراکه این پرسش‌های بنیادین به دنبال خود در پس ذهن مخاطب به تولید انگیزه یا نابودی آن منجر خواهد شد و اگر با پاسخی قانع‌کننده همراه نباشد، تداوم این خلأ فکری، تحقق رابطه جامعه با دین را دشوار خواهد ساخت. در ادامه به دلیل دین‌مدار بودن نظام حکمرانی در ایران، تحقق عدالت اجتماعی نیز دست‌کم از نظر فکری در بخشی از بدنه جامعه، دور از دسترس خواهد بود؛ زیرا هنوز ارتباط لازم میان بخشی از بدنه جامعه و مقوله دین برقرار نشده است.

۳-۲-۵. اصل پنجم: اصطلاح‌شناسی تخصصی

یکی از نکات مهم، شناخت اصطلاحات هر علم و نیز آگاهی از آخرین تغییرات روزآمد آنهاست؛ به گونه‌ای که باید کاملاً اطلاعات پاسخ‌گو در این باره روزآمد باشد؛ برای نمونه کارشناس حدیث علاوه بر شناخت دقیق اصطلاحات رایج حدیث همچون تواتر و آحاد، خبر مستفیض، تفرد راوی و... شایسته است نسبت به تازه‌ترین اصطلاحاتی که امروزه در میان اهالی دانش حدیث



مطرح شده است، آگاه باشد؛ مانند واژه فقه الحدیث و... همچنین بر این موضوع مسلط باشد که جامعه مخاطبان فرهیخته چگونه این اصطلاحات را در پرسش‌های خویش مطرح می‌کنند تا این‌گونه نباشد که پرسش‌گر هنگام بیان پرسش مجبور باشد آن را به‌زبان ساده‌تری شرح کند تا کارشناس پاسخ‌گو، تازه متوجه اصل پرسش شود یا مثلاً پرسش‌گر فقهی اگر از موضوعاتی مانند آنژیوکات (Angiocath) و این‌گونه مسائل جدید پزشکی می‌پرسد، کارشناس باید کاملاً با این اصطلاحات جدید آشنا باشد (ر.ک: ابراهیمی، ۱۳۹۹).

در خاطره‌ای طنزآمیز، پرسش‌گری پرسیده بود: «من عروس هلندی گرفتم، نمی‌دانم این پاک هست یا نجس است؟». کارشناس گمان کرده بود عروس هلندی یعنی عروس خانمی که از کشور هلند آمده است! پاسخ داده بود: «خُب مگر مجبور بودید عروس هلندی بگیرید! عروس مسلمان می‌گرفتید که پاک باشد، به دردسر هم نیافتید!». پرسش‌گر در جواب گفته بود: «حاج‌آقا!!! عروس مسلمان چیه!!! عروس هلندی یک نوع پرند است!» (همان).

نتیجه



توان و مهارت پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی، نیازمند کسب مهارت‌های گوناگون است. در این میان مهارت‌های بینشی و دانشی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. پژوهش حاضر به چستی و چگونگی این مهارت‌ها بر اساس فرضیه تأثیر حداکثری این دو مقوله در محورهای مختلف پاسخ‌گویی به عنوان ابزارهای مهارت‌آفرین پرداخت. مهارت بینشی در نوع خود شامل «مهارت بینش تمدنی»، «مهارت بینش اعتقادی»، «مهارت بینش فرهنگی»، «مهارت بینش سیاسی»، «مهارت بینش اجتماعی» و «مهارت بینش مذهبی» بود، ولی مهارت دانشی در پاسخ‌گویی به مسائل دینی به چند اصل همچون «اصل دانش تخصصی»، «اصل شناخت تخصصی ابزارها»، «اصل فراگیری تجربه»، «اصل مهارت اقناع» و «اصل اصطلاح‌شناسی تخصصی» تقسیم می‌شود.

منابع

۱. ابراهیمی، حسین؛ مصاحبه‌های ثبت تجربیات پاسخ‌گویی به سؤالات دینی؛ قم: مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی، ۱۳۹۹/۱۱/۱۵.
۲. ابن‌حمدون، محمدبن‌حسن؛ التذکرۃ الحمدونیة؛ تحقیق احسان عباس و بسکر عباس؛ بیروت: دار صادر، ۱۹۹۶م.
۳. اربلی، علی‌بن‌عیسی؛ کشف‌الغمة فی معرفة‌الأئمة؛ قم: رضی، ۱۴۲۱ق.
۴. اکبری، محمود؛ مصاحبه‌های ثبت تجربیات پاسخ‌گویی به سؤالات دینی؛ قم: مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی، ۱۳۹۹/۱۱/۲۶.
۵. حقانی فضل، محمدکاظم؛ مصاحبه‌های ثبت تجربیات پاسخ‌گویی به سؤالات دینی؛ قم: مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی، ۱۳۹۹/۱۱/۸.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات معظم‌له در دیدار جمعی از دانشجویان؛ ۱۳۹۶/۳/۱۷، مندرج در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36775>
۷. دلیر، بهرام؛ «معرفت و بصیرت سیاسی اسمائی»، سیاست متعالیه؛ ش ۱۷، تابستان ۱۳۹۶، ص ۷-۲۲.
۸. عنایتی، لطفعلی و علی لنگری؛ «واکاوی سازه و مفهوم پاسخ‌گویی از منظر مقام معظم رهبری»، امنیت ملی؛ ش ۳۳، پاییز ۱۳۹۸، ص ۷۵-۱۱۲.
۹. غیاثی فتح‌آبادی، هادی و محمدهادی همایون؛ «احصاء و تحلیل دلالت‌های بینش تمدنی در سیاست‌گذاری مطلوب رسانه ملی»، پژوهشنامه رسانه و ارتباطات؛ ش ۲، اسفند ۱۴۰۲، ص ۹-۳۴.
۱۰. فراهیدی، خلیل؛ کتاب‌العین؛ ج ۲، قم: هجرت، [بی‌تا].
۱۱. فروتن، یعقوب؛ «تمایزات قومی دینداری در ایران»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی؛ ش ۲، تابستان ۱۳۹۹، ص ۵۵-۷۸.
۱۲. محمدی شاهرودی، رضا؛ مصاحبه‌های ثبت تجربیات پاسخ‌گویی به سؤالات دینی؛ قم: مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی، ۱۳۹۹/۱۱/۱۲.
۱۳. محمدی، سیدمحمدتقی؛ مصاحبه‌های ثبت تجربیات پاسخ‌گویی به سؤالات دینی؛ قم: مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی، ۱۳۹۹/۱۱/۲۹.
۱۴. الویری، محسن؛ «بینش تمدنی؛ بایستگی‌ها و چالش‌های آن در ایران کنونی»، مندرج در: <https://mobahesat.ir/17994>، ۱۳۹۷/۱۱/۱۴.

۱۵. هاشمی جزی، سیدحسن؛ مصاحبه‌های ثبت تجربیات پاسخ‌گویی به سؤالات دینی؛ قم: مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی، ۱۳۹۹/۱۲/۲۶.
۱۶. یعقوبی، علی؛ «استعاره و بینش جامعه‌شناختی دورکیم»، مجله جامعه‌شناسی ایران؛ ش ۳، پاییز ۱۳۹۵، ص ۱۰۹-۱۳۴.